

معمای هویدا

○ معمای هویدا

○ تألیف: عباس میلانی

○ ناشر: اختران، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۰

○ ابراهیم بلوکی

یکی دیگر از مطالب قابل بحث در مقدمه کتاب، این که نویسنده اصرار دارد کار او یک زندگی‌نامه صرف می‌باشد و باید با این نگرش مورد عنایت خواننده قرار گیرد.^۲ با این حال خواننده در طول مطالعه کتاب گاه با یک اثر تاریخی، گاه زندگی‌نامه و زمانی با یک گزارش سیاسی روبرو می‌شود و این همه، چیزهایی است که نویسنده قویاً از آن اجتناب دارد.

فصل اول کتاب که عنوان «پل حسرت» را بر خود دارد، روایت زندگی امیرعباس هویدا را از آخرین ماهها آغاز می‌کند تا در فصلهای بعد به مراحل گذشته زندگی او بپردازد. نکات مهمتر و شایان ذکر این فصل را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

از میان ارجاعات و پانویس‌های این فصل تعدادی ناقص می‌باشد و برای خواننده روشن نیست که این ارجاعات به کجاست؟ و یا چرا پس از چندین بار تجدید چاپ، اقدامی در جهت تصحیح و تکمیل آن نشده است. از جمله این ارجاعات می‌توان پانویس‌های شماره ۱، ۵ و ۴۷ را برشمرد. و باز در همین راستا یک مورد دیگر از کارکرد مبهم نویسنده، آنجاست که وی گاه مطالبی را بدون راوی و یا با راوی نامشخص و نامعین، بیان می‌کند.^۳

از دیگر نمونه‌های کاستی کار نویسنده معمای هویدا، در فصل اول که در سایر فصل‌ها نیز گاه مشاهده می‌شود، بیان رخدادها و تاریخی بدون تلاش در جهت تدقیق زمان‌هاست. مثلاً در جایی، با آنکه ذکر دقیق و کامل مطلبه کار دشواری هم نیست، دکتر میلانی به صورت تقریبی «حدود ۶ ماه» را به کار می‌برد.^۴ همین اشکال را به صورتی دیگر

کتاب را کامل‌ترین نمونه کار تاریخ‌نگاری حال حاضر و موفق‌ترین نمونه روش تحقیق طی سالیان اخیر برشمرده‌اند. از میان نقدهای صورت گرفته بر کتاب نیز کمتر تلاشی در جهت بررسی همه جوانب و موارد کار، صورت گرفته و غالب کارهای موجود، تنها بر بخش یا بخش‌هایی از کار متمرکز گردیده است. معمای هویدا کتابی است با شانزده فصل و یک مقدمه که از همان صفحات آغازین دارای مواد و مطالب قابل بحث و بررسی می‌باشد. هرچند که علاوه بر نقاط قوت و نکات مثبت کتاب، کاستی‌های آن را نیز در زمینه‌های مختلف می‌توان بررسی و مطرح نمود، اما از آنجا که کار کارشناسی همه‌جانبه، نیازمند توانایی و دانشی در رشته‌ها و فنون متعدد می‌باشد، بهتر است در چند محور کلی به شرح زیر به کنکاش در معمای هویدا بپردازیم:

- ۱- پانویس‌ها و ارجاعات کتاب که ملاک میزان دقت و اهتمام نویسنده در روش تحقیق می‌باشد.
- ۲- نقص و ضعف تاریخ‌ها و سالشمار وقایع که میزان اعتبار تاریخ‌نگاری اثر را بیان می‌دارد.
- ۳- میزان توفیق نگارنده در امر نگارش و ترجمه
- ۴- چند زمینه قابل بحث دیگر.

در بخش مقدمه کتاب، صرف‌نظر از مطالبی که تحلیل محتوایی را می‌طلبد و بررسی آن بحث گسترده‌ای را در پی می‌آورد، برخی از اشکالات غیرجدی هم دیده می‌شود که به راحتی قابل اصلاح می‌باشد. مانند ضعف نگارش و عدم دقت در هماهنگی زمان افعال جملات، از جمله «... کسانی شکل بخشیده‌اند که... کرده بودند» و یا «جزئیات را باید واگذاشت و شناخت را... بی‌باغ‌تریم».^۵



در سال ۱۳۸۰ کتابهای متعددی در حوزه تاریخ معاصر ایران منتشر گردید. اما هیچ‌یک به اندازه کتاب معمای هویدا در محافل دانشگاهی، و نیز در بازار کتاب واکنش‌های مختلف را برنینگخت. تا آنجا که تا زمان نگارش این مقاله بیش از ده مورد نقد و معرفی توسط افراد مختلف در نشریات گوناگون درباره این کتاب ارائه گردیده، و چندین جلسه نقد کارشناسانه و علمی در سراسر کشور در این مورد برپا شده است.

با این حال مناسبانه‌تر است که به حال کار همه‌جانبه درباره این اثر انجام نشده است. چندانکه، برخی افراد بدون بررسی همه زوایای مسأله، حتی توفیق کتاب را در جذب شمار وسیع مخاطبان، متأثر از برنامه‌ریزی محافل سیاسی دانسته و برخی نیز این

**کتاب «معمای هویدا»
از یک سو در سطح عام
با توفیقی غیرمعمول مواجه شد
و به چاپ بیش از ده نوبت
رسید و از سوی دیگر
با نقدهای متعدد و متفاوتی
در سطح دانشگاه‌ها و نیز
مطبوعات رو به رو شد**

رویداد مهم حذف‌فصل سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۲ به هم پیوند خورده آن هم با یک عبارت کلی: «پس از قرارداد ۱۹۱۹». از همین دست می‌توان مطالبی را در صفحات ۴۹ و ۵۰ مشاهده کرد که نویسنده یکی دو سال پیش از تولد امیرعباس هویدا تا سه چهار سالگی او را به گونه‌ای مبهم بیان می‌دارد که گویا هویدا یکی دو سال پیش از تولد، درگیر فراگیری دوچرخه‌سواری بوده است. در کنار این‌گونه مطالب، البته می‌توان مواردی را هم دید که تصحیح یا تدقیق آن چیز خاصی را در تاریخ روشن نمی‌سازد و لذا می‌شود آنرا به حال خود رها کرد. مانند اینکه در زمان بازگشت خانواده هویدا به ایران، امیرعباس در چه سنی بوده و یا «در این سالها» رضاخان آیا شاه بوده یا نه^۱ و یا اینکه عین‌الملک پدر امیرعباس در چند سالگی فرزندش درگذشته است.^۲

یکی از مشابهت‌های فصل دوم با فصل پیش از آن، عدم دقت نویسنده در زمینه نگارش و رعایت کامل اصول آن است که دو مورد ملموس‌تر آنرا می‌توان چنین ذکر کرد. اولاً نویسنده در بکارگیری افعال گاه موضوع رعایت زمان را مورد عنایت قرار نمی‌دهد که چند نمونه آن را خواننده در صفحات ۵۵ و ۵۶ مشاهده می‌کند. و مطلب دوم نوع خاصی از نقل قول است که دکتر میلانی به کار برده است. در این نقل قول‌ها نویسنده مطالب را چنان بیان کرده که خواننده گمان می‌برد شخص امیرعباس هویدا آنها را برای نویسنده نقل کرده و نویسنده با استفاده از فعل «می‌گفت» این حالت بی‌واسطه و مستقیم بودن گفت و گو را برای خواننده مشتبه می‌سازد. این مورد در چند موضع تکرار گردیده که در فصل دوم نمونه آن در صفحات ۵۵ و ۵۶ قابل مشاهده است. «ژانر پاریس» عنوان سومین فصل کتاب مورد بررسی می‌باشد. این فصل نیز در کنار نکات و مسائلی مفید و سودمندی که هر یک در جای خود ارزش کار نویسنده را می‌رساند، دارای برخی ایرادها و کاستی‌ها می‌باشد که اهم آن چنین است:

از نظر نگارش، عدم رعایت کامل اصول نگارش که در قالب جملات غیرصحیح به چشم می‌خورد^۳ و عدم توجه به لزوم تفکیک نقل قول‌های



نکات برجسته این فصل، اشاره دکتر میلانی به بی‌وفایی تحقیرآمیز خانواده پهلوی به نخست‌وزیر وفادارشان می‌باشد که بر اساس طعنه گزنده نویسنده، گویا به اندازه سگ خانواده سلطنتی هم اهمیت نداشت چرا که آنها هویدا را رها کردند اما سگ را با خود بردند.^۴

دومین فصل کتاب، با عنوان «برزخ بیروت» به بررسی دوره کودکی و نوجوانی و اوایل جوانی امیرعباس هویدا پرداخته است. این فصل نیز همچون فصل پیش دارای نقایصی در ارجاع‌ها می‌باشد. مانند ارجاع شماره ۸ که توضیح آن با آنچه در متن آمده همخوانی ندارد. نیز عدم دقت در ارائه ارجاعات زنجیره‌ای که با ذکر کلمه «پیشین» به موارد قبل مرجوع می‌شود و برای نمونه در ردیف‌های ۳۳ و ۳۲ به کار رفته در حالی که شماره ۳۳ باید به شماره ۳۱ مرجوع شود.

نمونه دیگر از اشکالات فصل دوم، ذکر تاریخ بدون اهتمام کافی در حفظ تسلسل زمان‌ها است. مثلاً در صفحه ۴۷ طی کمتر از پنج سطر، چهار

هم می‌توان مشاهده کرد. آنجا که نویسنده با وجود سهولت و امکان موجود، محدوده‌های زمانی را از هم تفکیک نمی‌سازد و مثلاً سال ۵۷ را با سال ۷۷ در دنبال هم می‌آورد بدون تعیین نقاط جدایی این دو سال در متن.^۵

یکی از موارد مهم و لازم‌الاشاره در مورد فصل اول که به نوعی در چند موضع دیگر از کتاب نیز به چشم می‌خورد، آن است که در تجدید چاپ‌های متعدد معمای هویدا نه نویسنده و نه ناشر، تلاشی برای لحاظ کردن برخی نقد و تکذیب‌های ارائه شده صورت نداده‌اند. نمونه این مسأله را می‌توان در صفحه ۲۶ از فصل اول مشاهده کرد که نویسنده و علی‌رغم آنکه فرد موردنظر رسماً چنین ارتباطی را تکذیب نموده است^۶ در چاپ‌های متعدد کتاب نه مطلب تصحیح شده و نه حتی در صورت پافشاری مؤلف بر موضوع، دلایل و مستندات تکمیلی بر مسأله ارائه شده است.

در کنار آنچه ذکر گردید البته فصل اول معمای هویدا نکات جالب توجه نیز کم ندارد اما یکی از

اگرچه دکتر میلانی در پیشگفتار خویش تلاش دارد

کتاب را از قلمرو تاریخ خارج نموده و به آن ویژگی

یک زندگینامه محض را بدهد، اما پیوستگی این دو موضوع

به ویژه در عرصه بحث برانگیزی همچون تاریخ معاصر،

تفکیک موردنظر نویسنده را غیرممکن می سازد

در کنار این نکات نباید از ویژگی‌های مثبت فصل چهارم هم غفلت کرد که یکی از جالب‌ترین موارد آن، تصریح نویسنده بر یک حقیقت تحریف شده در زندگانی هویدا می‌باشد. آن‌گونه که دکتر میلانی می‌نویسد، علیرغم بلور رایج که برخی نگارندگان نیز به آن دامن زده‌اند، آخرین مدرک تحصیلی امیرعباس هویدا، لیسانس علوم سیاسی بوده و نه دکترای فلان رشته که حتی خود هویدا هم به نحوی آن را ترویج نموده است.^{۱۵}

بخش عمده‌ای از فصل پنجم کتاب با عنوان «بازگشت به پاریس» که سالهای اشتغال هویدا در سفارت ایران در فرانسه را بررسی کرده، دربردارنده اصرار و پافشاری تلویحی دکتر میلانی بر این مسأله است که در ماجراهای قاچاق در سفارتخانه فوق‌الذکر، گناه اصلی متوجه زین‌العابدین رهنما بوده و براساس اسنادی که دکتر میلانی به آن استناد کرده، هویدا از آن قضایا مبرا بوده است. این استنتاج نویسنده، علیرغم اعتراض خانواده رهنما مبنی بر غیرواقعی بودن نگارش‌های کتاب معمای هویدا و به‌ویژه علیرغم تأکید نواده زین‌العابدین رهنماست که مدعی شده مستندات دکتر میلانی اصولاً غیرواقعی است. در این مباحثه هرچند که دکتر میلانی بخش‌هایی از نظرات خانواده رهنما را پس از چاپ اول کتاب، لحاظ کرده است، اما به نظر می‌رسد اعتراض این خانواده خیلی بیشتر از آن چیزی بوده که در کتاب وارد شده و از همین رو آنان نظرات خود را در قالب کتابچه مستقلی آماده کرده‌اند که در حقیقت خود یکی از نقدهای ارائه شده بر کتاب معمای هویدا خواهد بود.^{۱۶} در کنار این مسائل باید به این حقیقت هم اشاره کرد که یکی از موارد نقص کار پژوهشی و کاستی روش‌شناختی کتاب در همینجا قرار دارد چرا که نویسنده در این ماجرا نیز مانند بسیاری از مطالب کتاب، تنها به یکی دو دسته از منابع تحقیقی اکتفا کرده، در حالی که برای مثال در ماجرای قاچاق و سفارت ایران در فرانسه دست‌کم نگاهی به مطبوعات ایرانی و فرانسوی آن سالها می‌توانست مفید باشد. چرا که لاقلاً در سطح مطبوعات داخلی در ماجرای مورد بحث، برخی از

اقتباسی از شکل مستقیم که در فصل پیش به آن اشاره شد و در این فصل هم تکرار شده است^{۱۷} و از جنبه روش تحقیق نیز از آنجا که نویسنده محور کار خود را بر نگارش زندگینامه همه‌جانبه‌ای از امیرعباس هویدا قرار داده، انتظار می‌رود که مطالبی را مبهم باقی نگذارد، به‌ویژه با تلاشی که دکتر میلانی برای روشن ساختن برخی مطالب کم‌اهمیت‌تر به کار برده است (همچون تعداد پیب‌ها و عصاهای هویدا، ص ۴۷۳) اما وقتی در پیگیری زندگی هویدا، نویسنده به بحث ویزا گرفتن او از آلمانی‌ها در زمان اشغال فرانسه می‌رود، تلاشی در جهت یافتن شکل، زمینه و عامل حقیقی توفیق هویدا در این کار، آن هم در شرایطی که این کار سختی زیادی داشته، انجام نمی‌دهد^{۱۸} درحالی که خود نویسنده هم به توجیه ارائه شده از سوی هویدا مشکوک است.

از نکات جالب فصل سوم که کم هم نمی‌باشد می‌توان به سعی نویسنده در بی‌طرف بودن نسبت به همه ابعاد زندگی هویدا اشاره کرد که باعث می‌شود جایی به شیفتگی غیرعادی وی در برابر کشور فرانسه اشاره کند (ص ۷۴) و جایی نیز غلط‌های تاریخ‌نگاری او را تصحیح نماید (پاورقی ص ۷۴).

«سرزمین عجایب» عنوانی است که دکتر میلانی برای فصل چهارم کتاب خود برگزیده و در آن به زندگی هویدای سالهای دهه ۱۳۲۰ پرداخته است. بحث بر سر این فصل را می‌توان با ذکر یک اشتباه تاریخی آغاز کرد: با اشاره به صفحه ۹۵ که اشغال ایران را در ۲۴ مرداد ۱۳۲۰ بیان نموده است و در همین راستا باید به این نکته توجه نمود که نویسنده کلیه جریانات و مسایل سیاسی داخلی و بین‌المللی سال‌های ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ را که به اشغال ایران منجر شد، در یک پاراگراف گردآورده و در همین محدوده به تبلیل آن قضیه پرداخته است.^{۱۹} در این ارتباط حتی اصرار بر محوریت زندگینامه هویدا هم دلیل آنچنان قوی به نظر نمی‌رسد که براساس آن یک محقق علوم سیاسی چنین گذرا از واقعه‌ای چنان مهم و البته چنان پیچیده بگذرد.

یکی از موارد مهم و

لازم‌الاشاره در مورد فصل اول

که به نوعی در

چند موضع دیگر

از کتاب [معمای هویدا]

نیز به چشم می‌خورد،

آن است که

در تجدید چاپ‌های

متعدد «معمای هویدا»

نه نویسنده و نه ناشر،

تلاشی برای لحاظ کردن

برخی نقد و تکذیب‌های

ارائه شده

صورت نداده‌اند

جراید در افشا و پیگیری مسأله نقش مؤثری داشتند که برای مثال می‌توان به هفته‌نامه «مرد امروز» و مدیر آن محمد مسعود اشاره کرد.

فصل موسوم به «سألهای سرگردانی» که فصل ششم کتاب به شمار می‌رود، بیشتر از سایر فصلها دارای ارجاعات ناقص می‌باشد که در شکل‌های گوناگون به چشم می‌آید. همچون استفاده از مأخذ ضعیف و گاه بی‌ارتباط با متن^{۲۰} و یا ارجاع به مأخذ ظاهراً مبهم^{۲۱} و یا به موقع معرفی نکردن کسانی که از آنان به عنوان مرجع استفاده شده است.^{۲۲} افزون بر اینها، در همین فصل می‌توان نمونه‌ای از موارد تسامح نویسنده را ذکر کرد که در آن، ماه‌های تقویم خورشیدی با سال میلادی مورد استفاده قرار گرفته است.^{۲۳}

در فصل «انقلاب سفید» که هفتمین فصل کتاب به شمار می‌رود، علاوه بر چند مورد از اشکالات مشابه با موارد فصول پیش، چند نمونه غیرمشابه با آنان را نیز باید مورد توجه قرار داد که همراه با مواد و اطلاعات دیگر، فصل هفتم را

تشکیل می‌دهد. یک مورد ارجاع ناقص و ناتمام^{۳۱} و یک مورد استفاده تفکیک نشده، از سالشمار خورشیدی و میلادی^{۳۲} را می‌توان از زمره اشکالات مسبوق به سابقه فصل هفتم دانست و در کنار آن به عنوان نمونه موارد تازه به نسبت مباحث پیشین، باید به یکی دو مورد تکرار مأخذ هم در متن و هم در بخش توضیحات^{۳۳}. همچنین است ترکیب ضعیف و ناموزون میان نقل‌قول و متن اصلی که توسط نویسنده صورت گرفته^{۳۴} و در مقوله نگارش قابل بررسی است.

بررسی عملکرد «کانون مترقی» و بیان کارکرد سیاسی این تشکل معروف تکنوکراتها، محتوای اصلی فصل هشتم کتاب معمای هویدا را تشکیل می‌دهد. در عین حال که محور این بحث نیز امیرعباس هویدا می‌باشد.

اگرچه دکتر میلانی در پیشگفتار خویش تلاش دارد کتاب را از قلمرو تاریخ خارج نموده و به آن ویژگی یک زندگینامه محض را بدهد اما پیوستگی این دو موضوع به‌ویژه در عرصه بحث‌برانگیزی همچون تاریخ معاصر، تفکیک موردنظر نویسنده را غیرممکن می‌سازد. از همین رو است که با مطالعه فصل هشتم، بیش از هر چیز، عدم اهتمام نویسنده در حفظ ترتیب و پیوستگی تاریخ‌ها و اهمیت این مسأله، به چشم می‌آید. چرا که دکتر میلانی، به راحتی میان سالهای ۱۳۴۰ و ۱۳۴۲ پیوند می‌زند^{۳۵} و یا از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۴ می‌پردازد^{۳۶} و یا بدون هرگونه تفکیک و مرزبندی روشنی، از دوره نخست‌وزیری حسنعلی منصور به دوران صدارت هویدا می‌رسد.^{۳۷}

یکی از انتقادات جدی که به فصل هشتم کتاب وارد است اینکه، نویسنده در بیان رقابت‌های سیاسی هویدا با مخالفانش، اشاره‌ای به علم و حزب او ندارد، در حالی که این شخص و این حزب در زندگی سیاسی امیرعباس هویدا نقش موثری داشته است. البته این مسأله مانع از آن نشده که نویسنده بی‌طرفی خود را در روایت رها کند و نقش هویدا و حزب او را در ایجاد یک مجلس وابسته، نادیده بگیرد.^{۳۸}

مسأله ارجاعات ناتمام و ناقص در این فصل هم تکرار شده^{۳۹} و در تمامی چاپ‌های کتاب نیز پی‌درپی تکرار گردیده است. همین وضع در فصل نهم با عنوان «زمستان ناخرسندیها» و سایر فصل‌های بعدی کتاب هم دیده می‌شود. همچنین است موضوع ضعف نگارش در تمامی فصل‌های پایانی. ازجمله: «... به نخست‌وزیری انتصاب شد (ص ۲۲۲)». «ساختمان کوچکی مناسب یک مرد معزب (ص ۲۳۴)». «با روحانیون متحد بسته‌اند (ص ۵۱۱ در ارجاع شماره ۲۰)». «تهدید [تجدید] ص ۲۸۹». «نقطه‌عطف‌ها [نقاط عطف] ص ۳۵۹». از دیگر اشکالات قابل ذکر در فصول پایانی کتاب، نقل قول از کسانی است که یا معرفی نمی‌شوند و یا گاه در

یکی از انتقادات جدی

که به فصل هشتم کتاب

«معمای هویدا»

وارد است اینکه،

نویسنده در بیان

رقابت‌های سیاسی هویدا

با مخالفانش، اشاره‌ای به

علم و حزب او ندارد،

در حالی که این شخص و

این حزب در

زندگی سیاسی

امیرعباس هویدا

نقش موثری داشته است

جایی نامناسب معرفی می‌گردند^{۴۰} این نکته در کنار ارجاعات ناقص در فصول پایانی از موارد غیرقابل چشم‌پوشی به شمار می‌آید.^{۴۱}

آنچه بیان شد ایرادها و نقایصی است که به راحتی قابل اصلاح و تصحیح می‌باشد. و صحت آن نیز به تقویت مطالب کتاب کمک بیشتری خواهد کرد. به‌ویژه آنکه یکی از ویژگی‌های برجسته کتاب معمای هویدا، استفاده از روش نگارش بی‌طرف و منتقدانه در مورد موضوع تحقیق می‌باشد. این روش اگرچه در تمامی صفحات کتاب و به طور کامل رعایت نشده^{۴۲} اما وجه غالب و رایج در کتاب می‌باشد.

از آنجا که کتاب معمای هویدا همچنان و پی در پی تجدید چاپ می‌گردد و نیز نقدهای متعدد را به دنبال خود داشته و دارد؛ شایسته است که ناشر کتاب در جهت اصلاح بسیاری از کاستی‌هایی که بدون حضور نویسنده هم قابل اصلاح می‌باشد، اقدام نموده و در جهت تکمیل این اثر چالش‌برانگیز بکوشد. به خصوص در زمینه تصحیح تقیصه‌ای که باعث گردیده تا ۲۶ مورد از شماره‌های ارجاعات فصول مختلف در موقع حروف‌چینی از قلم افتاده و در هر تجدیدچاپ به همان صورت روانه بازار گردد. همچنین تصحیح مواردی از این دست: در زیرنویس صفحه ۳۳۴ نام عباس توفیق از قلم افتاده است. در زیرنویس صفحه ۳۶۱ به جای علامت عدد ۱ چاپ شده. در همان صفحه به جای ۴۳ عدد ۱۴۳ چاپ

شده. نیز در صفحه ۳۹۱ به جای ۳۴ عدد ۱۳۴ چاپ شده است.

امید است با توجه به ایرادات مطرح شده در نقدهای مختلف و نیز با اثبات منطقی برخی ادعاهایی که علیرغم برخی تکذیب‌ها، تکرار گردیده، در چاپ‌های بعدی این کتاب اشکالات برطرف گردد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - میلانی، عباس: معمای هویدا، چاپ هشتم، اختران، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۰.
- ۲ - همان، ص ۱۰.
- ۳ - همان، صص ۱۶-۱۵.
- ۴ - همان، ص ۲۴ قسمت گزارش وضعیت هویدا در زندان.
- ۵ - همان، ص ۲۳.
- ۶ - همان، صص ۳۲-۳۱.
- ۷ - ضمیمه ماهنامه روزنامه همشهری، شماره پنجم، مردادماه، ۱۳۸۰، صفحه ۲۸.
- ۸ - معمای هویدا، چاپ هشتم، صفحه ۲۳.
- ۹ - همان، ص ۵۹.
- ۱۰ - همان، ص ۶۳.
- ۱۱ - برای مشاهده نمونه‌های آن صفحات ۷۳ و ۷۴ کتاب دیده شود.
- ۱۲ - نمونه دو صفحه ۷۴ کتاب.
- ۱۳ - معمای هویدا، ص ۸۹-۸۸.
- ۱۴ - همان، ص ۹۶.
- ۱۵ - همان، صص ۱۰۵-۱۰۴.
- ۱۶ - تحقیق قلب و قلب تاریخ، علی رهنما، تهران ۱۳۸۰ و بررسی کاوه بیات با عنوان «معمای مستند» در جهان کتاب س ۷ ش ۳-۶ (خرداد و تیر ۱۳۸۱)، صص ۱۲ و ۱۳.
- ۱۷ - نمونه آن ارجاع شماره ۱۵.
- ۱۸ - ارجاع شماره ۱۶.
- ۱۹ - معمای هویدا، ص ۴۹۶-۴۹۵، نگاه کنید به نزدیکترین محلی که این اشخاص معرفی شده‌اند. وجهیه معرفت، فاطمه سودآور، منوچهر پیروز، باقر کاظمی
- ۲۰ - معمای هویدا، ص ۱۶۱.
- ۲۱ - رک صفحه ۴۹۷ - ارجاع شماره ۴.
- ۲۲ - صفحه ۱۷۲.
- ۲۳ - ارجاع شماره ۷ و شماره ۳۸ از فصل هفتم.
- ۲۴ - صفحه ۱۸۱، نقل قول شماره ۳۹.
- ۲۵ - معمای هویدا، ص ۱۹۰.
- ۲۶ - همان، ص ۱۹۲.
- ۲۷ - همان، ص ۲۱۰.
- ۲۸ - همان، ص ۱۹۵.
- ۲۹ - برای نمونه رک ص ۵۰۲، ارجاع شماره ۱۰.
- ۳۰ - برای نمونه ارجاعات آغازین فصل یازدهم دیده شود. نیز ارجاع شماره ۵۷ همین فصل.
- ۳۱ - نمونه ارجاعات ناقص، ارجاع شماره ۲۸ از فصل یازدهم و شماره‌های ۴۸-۵۹-۶۰ از فصل شانزدهم.
- ۳۲ - برای نمونه صفحه ۴۱۹ و بحث مقایسه میان هویدا و خلخالی دیده شود.